

مهمترین رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج از نظر فقه امامیه

سیده سدره تجمل^۱، احمد محمدی مجد^۲، صدیقه محقق^۳

چکیده

مسئله رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج، چالشی جدی در روابط زناشویی است که به تنش، نارضایتی و فروپاشی خانواده‌ها منجر می‌شود. عدم شناسایی و مدیریت این رفتارها باعث تداوم مشکلات و آسیب‌های عاطفی برای هر دو طرف می‌شود. شناسایی این الگوها به زوجین کمک می‌کند تا با درک بهتر احساسات و نیازهای یکدیگر به بهبود و تقویت در روابط خود بپردازند. مقاله حاضر با روش توصیفی و باتکیه بر دیدگاه فقهای امامیه، مهم‌ترین رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رفتار مخرب زوجه در چند بحث تبیین می‌شود از جمله: عدم تمکین، خروج زن بدون اذن شوهر از خانه، دامن‌ه قوامیت بر شوهر، عدم پذیرش ریاست شوهر، عدم رعایت حجاب و عدم رعایت حق زوج در تعیین محل اقامت.

واژگان کلیدی: رفتارهای مخرب، زوج، زوجه، فقه امامیه، احکام فقهی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: syedajaffery42@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، مدرسه عالی فقه تخصصی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: mmajd.ahmad@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: smohaghegh22@gmail.com

۱. مقدمه

رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج یکی از موضوعات مهم و پیچیده در فقه امامیه است که تأثیرات عمیقی بر روابط خانوادگی و اجتماعی دارد. در نظام حقوقی اسلام، خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است و حفظ سلامت و استحکام آن اهمیت ویژه‌ای دارد. در برخی موارد، رفتارهای ناپسند و مخرب زوجه باعث بروز مشکلات جدی در زندگی زناشویی می‌شود. تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در مورد رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج به صورت مختصر و غیرجامع نوشته شده است، اما در مورد مهمترین رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج از نظر فقه امامیه مقاله‌ای یافت نشده است. مقاله حاضر از این نظر از مباحث نو و بدیع به شمار می‌رود.

پژوهش حاضر به روش توصیفی به این مباحث عدم تمکین، ترک منزل بدون اجازه زوج، عدم رعایت حق زوج در تعیین محل سکونت، نپذیرفتن قوام مرد و عدم رعایت حجاب اشاره می‌کند. بررسی این رفتارها به زوجین کمک می‌کند تا شناخت دقیق‌تری از حقوق و تکالیف خود داشته باشند و در صورت بروز چنین مشکلاتی راهکارهای مناسب‌تری را اتخاذ کنند.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. عدم تمکین در لغت

تمکین در لغت به معنی تسلیم، امکان دادن (آذرنوش، ۱۳۹۶، ص ۶۵۵) و توانا کردن بر چیزی است (صفی‌پور، ۱۳۹۹، ۳ و ۳/۴ و ۱۲۰۳). همچنین به معنای مسلط کردن فرد بر امری نیز آمده است (الزبیدی، ۱۴۱۴، ۵۴۵/۱۸). خداوند در قرآن می‌فرماید: «مکنکم فی الأرض؛ به آنان در زمین قدرت و توانایی بخشیدیم» (حج: ۴۱).

۲-۲. تمکین در اصطلاح فقها

در فقه، تمکین به معنای اطاعت و فرمان برداری زن از شوهر است به‌ویژه در اموری که اطاعت بر زن واجب است. (سیستانی، ۱۳۹۸، ص ۳۰؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۷، ص ۳۱۳)

۳. انواع تمکین در فقه حقوق

۳-۱. تمکین عام

تمکین عام به معنای پذیرش ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اداره امور مالی و اخلاقی خانواده است و شامل اطاعت زن از شوهر می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۱۷۳/۱؛ رحمانی، ۱۳۹۶، ص ۵۶)

۳-۲. تمکین خاص

تمکین خاص بدین معناست که زن باید در هر زمان و مکانی آماده برآورده کردن نیازهای جنسی شوهر باشد و این امر را به زمان یا مکان خاصی محدود نکند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۳/۳۱، حلی، ۱۴۰۸، ۳۴۷/۲؛ رحمانی، ۱۳۹۶، ص ۵۷) تمکین خاص یعنی، در اختیار قرار دادن خود به شوهر برای بهره‌مندی جنسی به گونه‌ای که مشروط به شرایط خاصی نباشد. اگر زن رابطه زناشویی را به زمان یا مکانی دیگر موکول کند تمکین حاصل نمی‌شود (حلی، ۱۴۰۸، ۲۹۳/۲؛ قنبرپور، ۱۳۹۱، ص ۲۰۴). اگر زن پس از درخواست شوهر از نظر زناشویی، خود را در اختیار او قرار ندهد ناشزه محسوب شده (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۳/۳) و احکام خاص ناشزه در مورد او جاری می‌شود.

۴. موارد سقوط حقوق زناشویی

تمکین زوجه همیشه واجب نیست و در برخی شرایط این وظیفه ساقط می‌شود و عدم تمکین آثار منفی برای زن به دنبال ندارد. علت آن است که شوهر در استیفای حقوق خود باید با رفتار، امساک به معروف عمل کند و اگر خلاف این رفتار کند تمکین بر زوجه واجب نخواهد بود. در مواقعی که عذر عقلانی یا شرعی وجود دارد وجوب تمکین برداشته می‌شود. (حلی، ۱۴۰۸، ص ۵۶۹؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۴۴/۸)

۴-۱. عذر عقلانی

۴-۱-۱. بیماری زن

اگر زن بیمار باشد و رابطه جنسی باعث تشدید بیماری او یا موجب ضرر و مشقت شود که غیرقابل تحمل است، می‌تواند از نزدیکی با شوهر خودداری کند. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۵۸۰/۷) تأخیر در بهبودی بیماری موجود نیز به‌همین دلیل جایز است (رحمانی، ۱۳۹۶، ۴۵۳).

۴-۱-۲. ضعف جسمانی

اگر زن از نظر جسمانی ضعیف و نحیف باشد و توان آمیزش با شوهر را نداشته باشد، می‌تواند از رابطه جنسی خودداری کند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱۲/۳۱)

۴-۱-۳. احتمال ایجاد بیماری

اگر نزدیکی موجب ایجاد بیماری برای زن شود او حق دارد از مقاربت امتناع کند. (رحمانی، ۱۳۹۶، ص ۴۵۳)

۴-۱-۴. بیماری مقاربتی شوهر

اگر شوهر به بیماری مقاربتی مبتلا باشد و این بیماری با نزدیکی به زن منتقل شود زن حق امتناع از نزدیکی را دارد و ناشزه محسوب نمی‌شود. در صورت امتناع از سایر وظایف زناشویی، زن ناشزه محسوب می‌شود. (تبریزی، ۱۴۲۲، ۵۴۷/۱) اگر نزدیکی برای شوهر نیز ضرر داشته باشد حق زوجه در این باره ساقط می‌شود و ترس از ضرر در این امور کافی است (رحمانی، ۱۳۹۶، ص ۴۵۳). تحمیل مقاربت در این موارد حرام است؛ زیرا براساس قاعده «لاضرر» اضرار به دیگری حرام است و حق استمتاع در این شرایط ساقط می‌شود. فقها حق زوج مبتلا به بیماری‌هایی مانند ایدز را در مقاربت جنسی ساقط می‌دانند، چه یقین به سرایت بیماری به زوجه وجود داشته باشد یا فقط احتمال آن.

۴-۱-۵. سفر با اذن شوهر

اگر سفر زن با اذن شوهر باشد این نیز عذری عقلانی است.

۴-۲. عذر شرعی

۴-۲-۱. **روزه واجب:** اگر زن در حال روزه واجب باشد وجوب تمکین ساقط می‌شود. (خویی، ۱۴۱۰، ۲۶۳/۱)

۴-۲-۲. **نفاس:** در دوران نفاس، زن مجاز به خودداری از رابطه جنسی است. (سیستانی، ۱۳۹۵، ۲۵۸ و ۹۴/۱)

۴-۲-۳. **قاعدگی:** زمانی که زن در دوران قاعدگی قرار دارد تمکین بر او واجب نیست. (موسوی خمینی، ۱۴۰۷،

۲۱۴/۲)

۴-۲-۴. **استحاضه:** در حال استحاضه (قلیله، کثیره و متوسطه) قبل از انجام غسل، وجوب تمکین برداشته

می‌شود. (خویی، ۱۴۱۰، ۶۸/۱)

۴-۲-۵. **احرام حج و عمره:** در حال احرام حج و عمره نیز زن مجاز به خودداری از تمکین است. (موسوی خمینی،

۱۳۹۷، ص ۷۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۵۷۷/۷)

۴-۲-۶. **سن کمتر از ۹ سال:** اگر زن کمتر از ۹ سال سن داشته باشد حق تمکین ساقط است.

۴-۲-۷. **روزه یا نماز:** اگر زن در حال روزه یا نماز واجب باشد او مجاز به امتناع از تمکین است.

۴-۲-۸. **سفر برای امر واجب:** اگر زن برای انجام امر واجبی مانند حج، حتی بدون اذن شوهر سفر کند (طوسی،

۱۴۰۷، ۴۱۰/۷؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۴۲/۸) ناشزه محسوب نمی‌شود: «و کذا سافرت فی واجب مضیق کالحج بغير اذنه

بل ولو مع منعه و نهیه» (موسوی خمینی، ۱۴۰۷، ۳۱۴/۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۴۵/۸).

۴-۲-۹. **اعتکاف:** زمانی که زن در حال اعتکاف باشد، می‌تواند از رابطه جنسی خودداری کند. (حلی، ۱۴۰۸، ۵۶۹/۲؛

شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۴۶/۸؛ سیستانی، ۱۳۹۵، ۳۴۴/۱)

۴-۲-۱۰. **ناتوانی از غسل یا تیمم:** اگر زن نتوانسته باشد غسل یا تیمم کند و وقت نماز رسیده باشد حق امتناع

دارد. (موسوی گلپایگانی، بی تا، ۲۸۱/۱)

۴-۲-۱۱. **عدم انجام طواف نساء:** در صورت عدم انجام طواف نساء و نماز آن در حج، وجوب تمکین برداشته

می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۲)

۴-۲-۱۲. **احرام شوهر:** وقتی شوهر در حال احرام است ازدواج با زن و هرگونه استمتاع حرام است تا زمانی که طواف

نساء انجام شود. بنابراین، امتناع زن از رابطه جنسی در این حالت نشوز محسوب نمی‌شود. (موسوی خمینی،

۱۴۰۷، ۳۱۲/۲)

۵. تمکین متقابل

تمکین، وظیفه‌ای کلی برای هر دو همسر در اسلام است، اما میزان و حدود آن برای مرد و زن

متفاوت است. برای مثال، زنان به دلیل حضور بیشتر در خانه و امکان بیشتر برای پاسخ‌گویی به

نیازهای همسر باید در حد امکان و براساس شرع به این نیازها پاسخ دهند. مردان به دلیل اشتغال و مسئولیت تأمین معاش، زمان کمتری برای حضور در منزل دارند. بنابراین، توقع کمتری از آنها در این زمینه وجود دارد. مقدار واجب تمکین بر مرد تا چهارماه تعیین شده است (موسوی خمینی، ۱۴۰۷، ۳۱۵/۲)، هرچند از نظر اخلاقی، مردان باید باتوجه به شرایط جسمی و نیازهای زن در برآورده کردن نیازهای او مشارکت کنند. اگر زنی با اجازه همسر خود شاغل باشد مرد نمی‌تواند همان انتظاری که از یک زن خانه‌دار دارد از او نیز داشته باشد (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

۶. خروج زوجه از منزل بدون اذن زوج

۱-۶. شرط ضمن عقد

اگر در ضمن عقد نکاح، شرط شود که زن اجازه خروج از منزل داشته باشد یا اینکه عقد نکاح با علم شوهر به شغل زن و توافق بر آن منعقد شده باشد به نظر مشهور فقهای امامیه، زن برای خروج از خانه برای انجام وظایف شغلی نیازی به اجازه همسر ندارد. در این موارد، اذن شوهر محل بحث نیست.

۲-۶. انجام واجبات شرعی

اگر خروج زن از خانه برای انجام واجبات شرعی مانند حج واجب یا فراگیری احکام واجب باشد اگر امکان فراگیری آنها در خانه وجود نداشته باشد زن می‌تواند بدون اجازه همسر از منزل خارج شود. در این مورد بین فقهای امامیه اختلافی وجود ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳/۳۱۴؛ حلی، ۱۴۰۸، ۳/۱۰۸؛ کیان‌فرد، ۱۴۰۱، ص ۱۴۴)

۳-۶. خروج بدون منافات با حق استمتاع زوج

اگر خروج زن از منزل برای انجام واجب نباشد، اما با حق استمتاع شوهر هم منافاتی نداشته باشد برای مثال هنگامی که شوهر در سفر است یا در محل کار حضور دارد برخی فقهای امامیه اختلاف نظر دارند. مشهور فقهای امامیه خروج زن را بدون اجازه شوهر جایز نمی‌دانند، اما برخی

مانند آیت‌الله خوئی با این شرط که خروج زن با حق استمتاع شوهر منافاتی نداشته باشد این خروج را مجاز می‌دانند. آیت‌الله خوئی از باب احتیاط، نظر مشهور را پذیرفته است.

۷. بررسی اقوال فقها

۱-۷. عدم جواز خروج زوجه بدون اذن شوهر

مشهور فقهای امامیه خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر را به طور مطلق ممنوع می‌دانند، حتی اگر با حق استمتاع شوهر منافاتی نداشته باشد. برای مثال، شیخ مفید می‌گوید: «بر زن واجب است که از شوهر خود اطاعت کند و در غیر از آنچه که خداوند حرام کرده از او نافرمانی نکند. همچنین زن بدون اجازه همسر، حق خروج از خانه را ندارد» (مفید، ۱۴۱۰، ص ۳۸). این دسته از فقها به آیات و روایات متعدد برای اثبات نظر خود استناد می‌کنند. برای مثال، به آیه «الرجال قوامون علی النساء» (نساء: ۳۴) استناد می‌شود که براساس آن، برخی فقها قیومیت و سلطه بی‌قید و شرط مرد بر زن را استخراج کرده‌اند.

۲-۷. جواز خروج زوجه از منزل بدون اذن شوهر

در مقابل قول مشهور فقهای امامیه، برخی از فقها خروج زوجه از منزل را در صورتی که با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد، جایز می‌دانند. این گروه معتقدند دلیلی بر حرمت مطلق خروج زوجه از خانه بدون اذن شوهر وجود ندارد، حتی اگر برای کارهای جزئی مانند بیرون گذاشتن زباله باشد. در شرایط خاص مانند غیبت شوهر به دلیل سفر یا زندانی شدن، زوجه می‌تواند برای دیدار بستگان یا زیارت امام حسین علیه السلام با رعایت موارد شرعی از منزل خارج شود. در چنین مواردی، لزوم اذن شوهر هیچ مبنای قاطعی ندارد، برخی از فقها که حکم به عدم جواز خروج زوجه بدون اذن شوهر داده‌اند با دقت در عباراتشان مشخص می‌شود که مقصود آنها خروج غیرمتعارف و بی‌بازگشت زوجه است به طوری که زن از انجام وظایفش سر باز زده و حق شوهر را نادیده گرفته و از خانه خارج شده و پس از بازگشت نیز به وظایف خود عمل نمی‌کند. بنابراین، در چنین مواردی این فقها نیز با گروه اول موافق هستند.

۸. مواردی که در آنها اذن شوهر لازم نیست

مواردی که در آنها اذن شوهر لازم نیست عبارتند از: خروج از خانه برای پرداخت بدهی، زمانی که بدون خروج پرداخت ممکن نباشد؛ خروج از خانه برای یادگیری مسائل دینی؛ خروج برای تحصیل علم، مگر اینکه زن قبل از ازدواج از این موضوع آگاه بوده و در ضمن عقد نیز شرط کرده باشد که پس از ازدواج می‌تواند به تحصیل علم بپردازد. در این صورت نیز نیازی به اجازه شوهر ندارد؛ خروج درحالت اضطرار مانند علاج بیماری که اگر فوری درمان نشود به ضرر زن منجر می‌شود؛ سفر حج در صورتی که زن استطاعت مالی برای آن داشته باشد.

۹. عدم رعایت حق زوج در تعیین محل اقامت (سکونت)

یکی از حقوق غیرمالی مرد بر زن، اختیار تعیین محل سکونت است که در اختیار مرد است.

۹-۱. معانی اقامت یا سکونت

در زبان فارسی، معانی مختلفی برای اقامت ذکر شده است از جمله: جای‌گزیدن، زیستن و به جایی آمدن. (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه اقامت)

۹-۲. تفاوت سکونت و اقامت

در اصطلاح حقوقی، مسکن به محلی گفته می‌شود که فرد در آن زندگی مادی دارد درحالی‌که اقامت به مرکز زندگی حقوقی فرد اشاره دارد. یک شخص نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد (قانون مدنی، ماده ۱۰۰۲) درحالی‌که می‌تواند چندین مسکن داشته باشد. (شایگان، ۱۳۹۶، ۱/۱۸۳؛ سلجوقی، ۱۴۰۱، ص ۸۷)

نکته: سکونت به این معناست که پس از ازدواج، تعیین محل سکونت زوجه برعهده زوج است. یکی از حقوق غیرمالی مرد در ازدواج، تعیین محل سکونت است که خداوند به طور مطلق به او واگذار کرده است. فلسفه این حکم آن است که از نظر شرعی، خروج زن از منزل برای هر کاری با موافقت شوهر صورت می‌گیرد و شوهر حتی حق دارد از خروج او جلوگیری کند. (موسوی خمینی،

۱۴۰۷، ۳۰۳/۲؛ حسینی طهرانی، ۱۴۲۱، ۳۱۴/۲) هر دو طرف می‌توانند در ضمن عقد شرط کنند که زن اختیار تعیین محل اقامت را داشته باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ۴۳۲/۱).

۱۰. عدم پذیرش ریاست و قوامیت مرد

یکی از اهداف تربیتی اسلام، تحکیم مبانی نظام خانواده است که اساس همه نظام‌های اجتماعی است. همان‌طور که هر نظامی به مدیریت نیاز دارد اسلام نیز در میان اعضای خانواده، شوهر را مدیر انتخاب کرده است؛ زیرا تحمل او در برابر مشکلات بیشتر است و یا به دلایل دیگر. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۱، ۱۴۸/۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۴۳۲-۴۳۵)

۱-۱۰. آیات

- خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما أنفقوا من أموالهم؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری‌هایی که خداوند از نظر نظام اجتماع برای برخی نسبت به برخی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند». (نساء: ۳۴) این آیه بیانگر آن است که مردان مسئولیت ولایت و سرپرستی زنان را برعهده دارند. شهید مطهری نیز ریاست خانواده را حقوق طبیعی مرد می‌داند؛ زیرا مرد در خانواده سه سرمایه دارد: جسم، روح و مال. درحالی‌که زن فقط دو سرمایه جسم و روح را دارد (مطهری، ۱۳۸۶، ۵/۱۸۰).

- آیه‌ای از سوره بقره به حقوق متقابل زن و شوهر اشاره دارد: «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجه؛ و برای آنان همانند وظایفی که بردوش آنهاست حقوق شایسته‌ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند». (بقره: ۲۲۸)

۱-۲. روایات

در تفسیر علی بن ابراهیم از این آیه آمده است: «حقوق مرد بر زن برتر است از حقوق زن بر مرد». (قمی، بی‌تا، ۱/۷۴) روایات متعددی نیز در باب ریاست شوهر و اطاعت زن از او ذکر شده است. امام

جعفر صادق علیه السلام فرمود: «خداوند رحمت کند مردی را که با همسر خود به نیکی رفتار می‌کند». همچنین، خداوند مرد را سرپرست و قیم زن قرار داده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۳/۳۸۱).

۱۱. دامنه قوامیت شوهر بر زن

۱-۱۱. قوام در لغت

قوام در لغت صیغه مبالغه از ریشه قیام و به معنای ایستادگی و برپا داشتن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۳/۵) کلمه قوام و جمع آن قوامون به معنای خوش قامت (شرتونی، ۱۴۱۶، ۴/۴۴۳، فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۴/۱۳۸) امیر و کسی است که مسئولیت و تکفل امور را برعهده دارد (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۴/۱۳۸). اهل لغت در تعریف ماده قیام آن را به معنای رئیس، سرور و سیاست مدار امر نیز آورده‌اند. به‌گفته برخی لغویان در برخی گویش‌های عربی، شوهر را قیم زن می‌نامند؛ زیرا او برای امور و نیازهای زن قیام می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵/۳۴۷).

۱۱-۲. ضرورت وجود قوامیت در خانواده

در هر جامعه باید فردی مسئولیت هماهنگی امور را برعهده داشته باشد و در صورت اختلاف، نظر نهایی را اعلام کند. خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ زیرا خانواده، جامعه‌ای کوچک بوده که نیازمند یک مسئول و تصمیم‌گیرنده نهایی است. اگر خانواده فاقد رئیس باشد و زن و مرد در اداره امور برابر باشند در صورت بروز اختلاف در هر مسئله کوچکی ممکن است نیاز به مراجعه به دادگاه پیدا کنند که این امر می‌تواند صلح و آرامش خانواده را برهم زده و بنیان زندگی زناشویی را متزلزل کند. ریاست خانواده در چارچوب شرع، عقل و عرف مقامی است که به منظور تثبیت و مصلحت خانواده به مرد داده شده است نه اینکه امتیاز یا حق فردی برای شوهر باشد تا او تصور کند که اعضای خانواده تحت سرپرستی‌اش به‌مثابه بردگان او هستند و می‌تواند هرگونه اعمال قدرتی که بخواهد، انجام دهد. (طاهری، ۱۳۹۱، ۳/۱۹۸) بنابراین، اگرچه قوامیت و ریاست شوهر بر خانواده نوعی مسئولیت و تکلیف برای حفظ بنیان خانواده است، اما این قوامیت نیز شروط و حدودی دارد. به‌گفته بسیاری از علما، قوامیت شوهر بر زن تنها در حوزه مسائل خانوادگی و

همسررداری است و حتی در این حوزه نیز محدود به برخی جنبه‌هاست مانند اجازه خروج از منزل و سایر مسائل کوچک خانوادگی (سبحانی، ۱۴۱۶، ۵۶/۱).

۱۲. عدم رعایت حجاب

حجاب یکی از مهمترین مباحث مرتبط با زنان، خانواده و جامعه است. تمام فقهای امامیه و مذاهب دیگر بر اصل حجاب اتفاق نظر دارند و آن را از ضروریات دین می‌دانند. قرآن کریم نیز به صراحت در آیات مختلف به این موضوع پرداخته است. آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «و قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن و یحفظن فروجهن و لا یتدین زینتهن إلا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی حیوبهن و لا یتدین زینتهن إلا لبعولتهن أو آبائهن أو آباء بعولتهن أو أبنائهن أو أبناء بعولتهن أو إخوانهن أو بنی إخوانهن أو بنی أخواتهن أو نسائهن أو ما ملکت أیمانهن أو التابعین غیر أولی الإربة من الرجال أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء و لا یضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن و توبوا إلی الله جمیعا أیها المؤمنون لعلکم تفلحون».

این آیه توصیه می‌کند که زنان مؤمن باید نگاه‌های خود را فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند و زینت‌های خود را جز در موارد خاص آشکار نسازند. همچنین بیان می‌کند که زنان باید سینه‌های خود را با روسری بپوشانند و زیورآلات خود را تنها برای افرادی که در آیه ذکر شده‌اند، آشکار کنند. چرا در اسلام بر حجاب تأکید شده و آیا حجاب به معنای پرده نشینی است. حجاب در اسلام به چه معناست. آیا این حکم در مورد نیمی از بشریت مناسب است. چنین سؤالاتی گاه از سوی مغرضان مطرح می‌شود و در آن نوعی مغالطه وجود دارد که ناشی از تغییر معنای حجاب در عرف عمومی است.

حجاب در لغت به معنای پرده‌ای است که میان دو چیز قرار می‌گیرد تا دیده نشوند مانند پرده‌هایی که حکام جور میان خود و مردم قرار می‌دهند تا از دسترس مردم دور باشند. حجاب در اصل به معنای پوشش نیست، اما در عرف امروز به معنای پوشش زن به کار رفته است. در گذشته و در اصطلاح فقها از واژه ستر به معنای پوشش استفاده می‌شد. این تغییر معنایی موجب شد تا

برخی تصور کنند که اسلام خواسته است زنان همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشند.
(مطهری، ۱۳۸۶، ص ۶۴)

۱۲-۱. معانی حجاب

حجاب از ریشه حجب است و در زبان عربی دو معنای اصلی دارد:

۱۲-۱-۱. ایجاد مانع یا حائل بین دو چیز

حجاب می‌تواند به موانعی میان دو امر مادی و حسی یا امور معنوی و غیرحسی اطلاق شود. حجاب و حجب به معنای جلوگیری از رسیدن دو چیز به یکدیگر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۹)

۱۲-۱-۲. پوشش یا ستر

معنای دوم حجاب، پوشش است. در این معنا، حجاب درونی به معنای مانعی است که بین قلب و سایر اعضای بدن قرار می‌گیرد. (جوهری، ۱۴۰۴، ص ۱۰۴) ابن منظور نیز حجاب را به معنای ستر یا پوشش آورده و حجب به معنای پوشاندن است. برای مثال، زن محجوب زنی است که پوشیده باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵۰/۳). در زبان فارسی، حجاب به معنای پرده، مانع یا حائل بین دو چیز است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۸۶۹۹/۶).

۱۲-۲. کاربرد واژه حجاب در قرآن

کلمه حجاب در قرآن هفت بار به کار رفته و بیشتر به معنای مانع یا پرده است. واژه ستر در گذشته و در فقه به معنای پوشش مطرح بوده و فقها در کتاب‌های الصلاة و النکاح به جای واژه حجاب از ستر استفاده کرده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۶۲/۴-۱۷۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۷۵/۲۹-۸۰) بین فقهای اسلام اختلافی در این نیست که پوشش تمام بدن زن به جز دست‌ها و پاها تا میج بر زن واجب است. آیه ۳۱ سوره نور نیز به این موضوع اشاره دارد.

۱۲-۳. مقدار حجاب واجب

اسلام درباره میزان حجاب واجب بر زن تأکید کرده و این مقدار در رساله‌های عملیه مراجع تقلید بیان شده است. پوشاندن تمام بدن به جز دست‌ها تا انگشتان بر زن واجب است. شهید مطهری نیز از نظر فقهی حجاب را این‌گونه تعریف کرده که زن در معاشرت با مردان بدن خود را بپوشاند و از جلوه‌گری و خودنمایی پرهیز کند. (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۷۹)

۱۲-۴. وجوب حجاب از دیدگاه اسلام

اسلام بر حجاب شرعی تأکید بسیاری دارد. هرچند بحث حاضر به وجوب حجاب مربوط نیست، اما برخی نکات را می‌توان مطرح کرد. تمام مسلمانان از زن و مرد قائل به وجوب حجاب هستند و آن را قبول دارند. برخی فقها مانند صاحب جواهر در کتاب النکاح به حرمت نگاه به ریه اشاره کرده‌اند: «انظر الیه مطلقاً حتی الی الوجه محرم بالضرورة؛ نگاه همراه با ریه حتی به چهره نیز به طور مطلق حرام است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۷۰/۲۴).

۱۲-۵. آیات و روایات در مورد حجاب

۱۲-۵-۱. آیات

خداوند در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید: «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک أزکی لهم إن الله خبیر بما یصنعون؛ ای رسول! به مردان مؤمن بگو که چشمان خود را از نگاه به نامحرم ببندند و پاکدامنی خود را حفظ کنند. این برای پاکی آنان بهتر است؛ زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است». این آیه به وجوب پوشاندن چشمان از نگاه به نامحرم و حرمت نگاه به آنها دلالت دارد. از این حکم نتیجه می‌شود که نگاه کردن به زنانی که حجاب ندارند، حرام است و این امر موجب عسر و حرج می‌شود؛ زیرا در هر مکانی که نگاه کنید، ممکن است زنان بدون حجاب دیده شوند. بنابراین، نگاه خود را باید کنترل کرد تا به این شرایط دچار نشد (نجفی، ۱۴۰۴، ۷۰/۲۹).

۱۲-۵-۲. روایات

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «لایصلح للمراته المسلمته ان تلبس من الثیاب ما لایسترها لایصلح للمراته المسلمته ان؛ برای زن مسلمان جایز نیست که تنها روسری و پیراهن بپوشد و بدنش را نپوشاند»؛ «تلبس من الثیاب ما لایسترها» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۵۱۸۱/۳). پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یکی از گروه‌هایی که وارد جهنم می‌شوند زنان بدحجاب هستند که خود را برای فریب و فتنه‌انگیزی آرایش می‌کنند» (متقی، ۱۴۰۹، ۳۸۳/۱۶). حضرت فاطمه علیها السلام در روزهای پایانی زندگی به اسماء فرمود: «من بسیار ناخوشایند می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با پارچه‌ای ساده بپوشانند به‌گونه‌ای که حجم و اندامشان قابل رؤیت باشد. مرا بر تختی قرار ندهید که اطراف آن باز است و دیگران بتوانند اندامم را مشاهده کنند، بلکه مرا با پوششی کامل تشییع کنید. خداوند تو را از آتش جهنم محفوظ بدارد» (طوسی، ۱۴۰۷، ۴۲۹/۱).

۱۲-۶. آثار فردی و اجتماعی حجاب در خانواده

خداوند حجاب را بر زن واجب کرده است. زن باید در جامعه در برابر نامحرم حجاب خود را رعایت کند؛ زیرا زن نقش محوری در خانواده دارد و ارزش او در اجتماع بیشتر از مرد است. اگر زن به دستورات خداوند عمل کند مقام او در جامعه بالا رفته و در آخرت نیز به مقامی والا دست می‌یابد.

۱۲-۶-۱. آرامش روانی

اول، نبودن حریم بین زن و مرد: معاشرت‌های بی‌بندوبار، التهاب‌های جنسی را افزایش می‌دهد و تقاضای جنسیتی را به صورت یک عطش روحی و خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. غریزه جنسی نیرومند و عمیق است و هرچه بیشتر به آن پاسخ داده شود سرکش‌تر می‌شود همانند آتشی که با افزودن هیزم، شعله‌ورتر می‌شود. روایات بسیاری درباره خطر نگاه‌های ناپاک، خلوت با نامحرم و غریزه‌ای که زن و مرد را به یکدیگر پیوند می‌دهد وارد شده است. اسلام برای تعدیل و کنترل این غریزه تدابیری اندیشیده و هم برای مردان و هم برای زنان تکالیفی معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای هر دو جنس مقرر شده کنترل نگاه است. در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور آمده است: «قل

للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم و قل للمؤمنات يغضن من أبصارهن ويحفظن فروجهن». زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند و نگاه‌های شهوت‌آلود داشته باشند. زنان باید بدن خود را از نامحرمان بیپوشانند و در اجتماع به‌گونه‌ای ظاهر نشوند که موجب تحریک مردان بیگانه شوند.

دوم) استحکام پیوند خانوادگی: هر عاملی که موجب تحکیم پیوند خانواده و افزایش صمیمیت بین زوجین شود باید تقویت شود و بالعکس، هر عاملی که موجب سستی روابط زناشویی و دلسردی زوجین شود باید با آن مقابله کرد. اختصاص لذت‌های جنسی به محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج مشروع، پیوند زناشویی را مستحکم‌تر می‌کند. فلسفه پوشش و منع بهره‌برداری جنسی از غیرهمسر مشروع از دیدگاه اجتماعی این است که همسر قانونی فرد از نظر روانی، عامل خوشبختی او باشد، درحالی‌که در سیستم آزادی جنسی، همسر قانونی، رقیب و مزاحم تلقی شده و این امر موجب ایجاد دشمنی و نفرت در کانون خانواده می‌شود. پاک‌ترین و صمیمی‌ترین عواطف بین زوجین زمانی برقرار می‌شود که زن و مرد از هرگونه لذت جویی از غیرهمسر چشم‌پوشند. مرد نباید به زن دیگری نگاه کند و زن نیز نباید درصدد تحریک و جلب توجه کسی جز همسر خود باشد. این اصول حتی پیش از ازدواج نیز باید رعایت شوند. امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام نوشت: «سخت‌گیری در امر حجاب برای زن و شوهر بهتر از شک و بدگمانی است» (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۸).

سوم) استواری اجتماع: انتقال تمتعات جنسی از محیط خانه به جامعه، نیروی کار و فعالیت‌های اجتماعی را ضعیف می‌کند. برخلاف آنچه مخالفان حجاب انتقاد کرده‌اند و گفته‌اند که حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد جامعه است درحقیقت آنچه موجب فلج کردن نیروی زنان و محبوس کردن استعدادهای آنها می‌شود حجابی نیست که به‌معنای زندانی کردن زن باشد و او را از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محروم کند. در اسلام چنین مفهومی وجود ندارد. اسلام هرگز نمی‌گوید که زن از خانه بیرون نرود، بلکه تحصیل علم و دانش را فریضه‌ای مشترک میان زن و مرد می‌داند و فعالیت اقتصادی را برای زن ممنوع نمی‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بی‌کار و بی‌عار در خانه بنشیند و فردی عاطل و باطل بارآید. پوشاندن بدن به‌جز صورت و دست‌ها (وجه و کفین)

مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نمی‌شود. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماعی می‌شود آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است.

چهارم) ارزش و احترام زن: خداوند متعال در اسلام برای زن مرتبه و مقامی بلند در نظر گرفته و بر مرد واجب کرده است که به زن احترام بگذارد. هرچند زن از نظر جسمانی قوی‌تر از مرد نیست، اما از نظر عاطفی و قلبی، خود را بر مرد اثبات کرده است. حفظ حریم میان زن و مرد یکی از وسایلی است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مرد از آن بهره می‌برد. اسلام به زن آموخته است که از این وسیله استفاده کند و تأکید کرده است که هرچه زن باوقارتر و متین‌تر رفتار کند و خود را در برابر نامحرم به نمایش نگذارد احترام بیشتری کسب می‌کند. قرآن به زنان توصیه می‌کند که خود را بیپوشانند و می‌فرماید: «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین؛ این کار برای آن است که به عفاف شناخته شده و اذیت نشوند این عمل بهتر است» (احزاب: ۵۹) (جعفریان، ۱۴۲۸، ۱/۲۶۰). پیامبر ﷺ درباره احترام به زن فرمود: «بهترین شما آن کسی است که با خانواده خود بهترین رفتار را داشته باشد و من بهترین شما با خانواده‌ام هستم. جز انسان‌های پست، زنان را تحقیر نمی‌کنند» (ابن عساکر، ۱۴۰۷، ۷/۵۰). در جای دیگر نیز فرمود: «هرکس همسری دارد باید به او احترام بگذارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۴/۲۴۹).

۱۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخی مناسب به این سؤال بوده است که مهمترین رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج از نظر فقه امامیه چیست؟ پس از بررسی دیدگاه فقه امامیه، یافته‌های تحقیق استخراج شد. رفتارهای مخرب زوجه از دیدگاه فقه امامیه اموری مانند عدم تمکین، خروج از منزل بدون اجازه، عدم پذیرش ریاست شوهر و عدم رعایت حق او در تعیین محل سکونت است. این رفتارها موجب فروپاشی بنیان خانواده می‌شود. از این رو، فقه امامیه تلاش می‌کند با ارائه راهکارهای مناسب از بروز این مشکلات جلوگیری کرده و به استحکام روابط زوجین کمک کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- * نهج البلاغه (۱۳۶۸). گردآوری: شریف رضی. مترجم: فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی. تهران: بی نا.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۲. ابن فارس، ابوالحسن (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
 ۴. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب تاریخ دمشق الکبیر. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۵. تبریزی، جواد (۱۴۲۲). صراط النجاه فی اجوبه الاستفتائات. قم: دارالصدیقه الشهیده.
 ۶. جعفریان، رسول (۱۴۲۸). رسائل حجابیه. قم: دلیل ما.
 ۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). الصحاح. قاهره: دارالحديث.
 ۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۹. حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۲۱). ولایت فقهی در حکومت اسلام. مشهد: علامه طباطبائی.
 ۱۰. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. محقق و مصحح: عبدالحسین محمدعلی بقال. قم: اسماعیلیان.
 ۱۱. خوری شرتونی، سعید (۱۴۱۶). اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد. قم: دارالاسوه.
 ۱۲. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). منهاج الصالحین. قم: مدینه العلم.
 ۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: چاپ دانشگاه تهران.
 ۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالشامیه.
 ۱۵. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
 ۱۶. سبحانی، جعفر (۱۴۱۶). نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
 ۱۷. سلجوقی، محمود (۱۴۱۰). حقوق بین الملل خصوصی. تهران: میزان.
 ۱۸. سیستانی، علی (۱۳۹۵). منهاج الصالحین. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
 ۱۹. شایگان، علی (۱۳۹۶). حقوق مدنی ایران. تهران: مهر کلام.
 ۲۰. صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۳۹۹). فرهنگ عربی به فارسی. تهران: سنایی.
 ۲۱. طاهری، حبیب الله (۱۳۹۱). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳). مسالک الافهام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
 ۲۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۹۲). جامع المسائل، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
 ۲۵. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). کشف اللثام و الایهام عن قواعد الاحکام. قم: جامعه مدرسین.
 ۲۶. قمی، علی بن ابراهیم (بی تا). تفسیر القمی. تصحیح: الجزائری، سید طیب الموسوی. بی جا: بی نا.
 ۲۷. قنبریور، بهنام (۱۳۹۱). شرط عدم تمکین در عقد نکاح در فقه امامیه و اهل سنت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
 ۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). حقوق مدنی وقایع حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۲۹. کیان فرد، فریده (۱۴۱۰). بررسی خروج زوجه از منزل و اذن زوج از دیدگاه فقه امامیه. نشریه پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال ۵۰ (۵)، ۱۴-۱۵۲.
 ۳۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
 ۳۱. محمدی، مرتضی (۱۳۸۳). تمکین؛ قدرت زنان یا خشونت مردان. نشریه مطالعات راهبردی زنان، (۲۳)، ۴۱-۶۷.

۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مسئله حجاب. قم: صدرا.
۳۳. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.
۳۴. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۰). المقتنه. قم: جامعه مدرسین.
۳۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۷). مناسک حج. قم: پژوهشکده حج و زیارت.
۳۶. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۷). تحریر الوسیله. بیروت: بی نا.
۳۷. موسوی گلپایگانی، محمدرضا (بی تا). مجمع المسائل. قم: دارالقرآن الکریم.
۳۸. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

